



۲۰۱۳/۰۱/۲۶

داکتر سید عبدالله کاظم

در حاشیه اسناد منتشره راجع به حرکت قبرس

قسمت سوم

در این قسمت توجه را بیک نامه سرگشاده جلب میکنم که در ماه مارچ ۲۰۰۰م عنوانی اجلاس چهارم قبرس نوشتم و اما چون اجلاس مذکور متواتر به تعویق افتاد، نظر به فقدان آدرس موفق نشدم آنرا ارسال دارم. اکنون که موضوع حرکت قبرس به حیث یک موضوع تاریخی با انتشار اسناد مربوطه توسط دوست گرامی و محترم جناب انجنیر صاحب احسان الله مایار نشر گردیده است، خواستم در آخرین قسمت این مقاله نامه ای را که محتوای آن برای محققان مسائل تاریخی کشور شاید دلچسپ باشد، نیز ضمیمه سازم. چون این نامه تقریباً دوازده سال قبل نوشته شده و متن و محتوای آن نیز به همان زمان بر می گردد، امید است خواننده محترم وقتی این نامه را مطالعه می کند، ذهناً خود را در جریان حوادث آنوقت قرار دهد، نه امروز.

۲۲ مارچ ۲۰۰۰

هو الله

نامه سرگشاده

تقدیم به چهارمین «اجلای قبرس»

خواهران و برادران عزیز!
جناب آقای رئیس و اعضای محترم مجلس!

اولتر از همه امید میکنم بهترین تمنیات مرا نسبت به تلاشهای مجدانه و پیگیر خویش که در راه اعاده صلح و حل معضله کشور از طریق تفاهم و مشوره در پیش گرفته اید، قبول فرمائید. با استفاده از فرصت میخوام مراتب امتنان و سپاس خود را به آنده دوستان عزیز تقدیم دارم که از اولین اجلاس قبرس تاحال از این کمینه متواتر دعوت اشتراک در مجالس بعمل آورده اند. امیدوارم غیابت مرا بی اعتنائی و یا بی علائقی بر موضوع تعبیر نفرمائید، بلکه آنرا تأملی بدانید که از ماهیت مغلق و موجودیت ابعاد متفاوت قضیه کشور نشأت میکند و موجب بروز یک تعداد سؤالیهای مهم در ذهن هر شخص میگردد. واضح است تا زمانیکه به این سؤالیها پاسخ لازم دریافت نشود، پیوستن به یک حلقه و اشتراک در یک مجلس تصمیماتی به حیث عضو (نه سامع) کار دشوار است، زیرا همچو پیوستن ها باید با یک نوع احساس مسؤلیت، تعهد و پابندی توأم باشد، نه آنکه امروز در آن شامل شد و فردا آنرا ترک گفت. مسلماً اینگونه مزاج متغییر هم به حیثیت شخص صدمه میرساند و هم موقف مجلس را در انظار دیگران ضعیف می سازد.

جناب آقای رئیس و اعضای محترم مجلس!

اجازه دهید نقاط نظر و برداشت های خود را در مورد حرکت قبرس ذیلاً بعرض برسانم:

۱ - اواسط ماه جنوری سال گذشته بار اول از تدویر مجلس بین الافغانی به ابتکار آقای همایون جریر اطلاع حاصل کردم. متعاقباً آقای جریر تلفونی بامن تماس گرفتند و ضمن شرح مبسوطی پیرامون اوضاع جاری کشور و ضرورت یک گرد همائی، از من دعوت کردند تا در اجلاسی که قرار بود بتاريخ ۱۹ فیروری (۱۹۹۹) در قبرس دائر گردد، اشتراک نمایم. بآنکه از تغییر روابط حزبی آقای حکمتیار و آقای جریر در آنوقت تاحدی آگاهی داشتم، ولی موقف جدید آقای جریر بطور کل برایم چندان روشن نبود، نخواستم در همچو موضوع مهم در تاریکی قدم گذارم، بنابراین تا روشن شدن اوضاع از اشتراک در مجلس معذرت خواستم.

۲ - باوجودیکه اجلاس اول قبرس در مطبوعات هیچ انعکاسی نیافت، اما متعاقباً معلوم شد که بیشترین اعضای اجلاس را شخصیتهای مهم تنظیمی و احزاب جهادی سابق تشکیل میداد که هریک به نمایندگی از سازمانهای مربوطه در اجلاس اشتراک کرده بودند.

به نظر بعضی تحلیلگران از مدتیست که اغلب اعضای تنظیمیها و احزاب جهادی به این واقعیت پی برده اند که ناکامی های متواتر سران و زعمای ایشان بعد از ختم جهاد صدمه کلی به حیثیت و اعتبار جمعی سازمانهای مربوطه وارد کرده و دست

د پائو شمیره: له ۱ تر ۷

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

آوردهای جهاد را برپا داده است. با درک این واقعیت گفته میشود که اغلب کدرهای دومی و جوانتر تنظیمها و احزاب جهادی سابق در صدد برآمده اند تا آن عده رهبران و شخصیت‌های دیندل را از حلقه خویش طرد و نفی کنند که بعد از خروج قوای روس و سقوط کمونیستها در ویرانی کشور، در شعله ور شدن جنگها، در قتل و کشتار مردم بیگناه، در برهم خوردن نظم و اداره و بالاخره در کشتار پای خارج در امور ملی مسؤلیت درجه اول داشته اند. گفته میشود که آنها از مدتی به این فکر افتاده اند تا چاردیوار تنظیمی را که نتیجه و محصول سیاست انشقاق آمیز علاقمندان خارجی جهاد بود، ترک کنند و باجهان بینی نسبتاً وسیع از میدان جنگ به میدان مبارزه سیاسی قدم گذارند. از ورای این روحیه می توان استنباط کرد که هدف اولی و اصلی اجلاس قبرس در آغاز همانا احیای مجدد سازمان شبیهه «جمعیت جوانان مسلمان» بود که به حیث یک جبهه واحد سیاسی تحت یک زعامت گروپی و فراتر از محدوده های تنظیمی در عرصه سیاسی کشور مجدداً سازماندهی شود و به فعالیت آغاز کند. اینکه در اجلاس اول از چند شخصیت غیر تنظیمی نیز دعوت گردیده بود، شاید به منظور رعایت ظاهر موضوع بوده باشد.

یادداشت: «جمعیت جوانان مسلمان» در افغانستان تحت الشعاع جریان بین المللی اخوانیت نخست در زمان شاهی به وجود آمد و بعد در زمان جمهوری مرحوم داؤد خان بافرار عده ای از سران آن به پاکستان دچار انشعاب گردید و پس از کودتای ثور این جمعیت در چارچوب تنظیمهای افراطی جهادی کاملاً منحل شد و شیرازه سازمانی آن از هم پاشید.

۳ - همزمان با تدویر اولین اجلاس قبرس، فعالیتها در روم نیز افزایش یافت، حرکت جدید روم که از اقدامات شورای مصالحه و وحدت ملی مربوط آقای سیرت تاحدی فاصله گرفته بود، توجه بیشتر هموطنان را به خود جلب کرد، زیرا فکر می شد که این بار روم با حمایت غرب بخصوص امریکا یک جهش قوی را در حل معضله کشور به راه خواهد انداخت. اقدام روم در عین زمان حرکت قبرس را نیز بطور محسوس زیر تأثیر قرار داد و گردانندگان اصلی حرکت قبرس را احتمالاً واداشت تا پروگرام خویش را مبنی بر احیای مجدد سازمان نظیر «جمعیت جوانان مسلمان» قسماً تعدیل کنند. اوضاع جاری آنها را به این نکته متوجه ساخت که دادن وجه خالص اسلامی به حرکت قبرس متضمن موفقیت لازم در آینده خواهد شد، بلکه به حرکت باید وجه مشترک ملی و اسلامی داد تا از یکطرف از بسا تنظیمها و احزاب جهادی سابق متمایز شود و از طرف دیگر با جریان روم در نفاضت قرار نگیرد و حرکت بتواند همکاری طبقه مسلکی و تحصیلکرده افغانستان را بخود جلب نماید؛ به عبارت دیگر آنها در یک وقت مناسب متوجه شدند که نباید اشتباه عمده دوران جهاد را یک بار دیگر تکرار کنند و طبقه مسلکی و تحصیلکرده را از حلقه خویش بدور رانند. با این تغییر مثبت گردانندگان اجلاس قبرس کوشیدند در جلسات بعدی به تعداد بیشتر شخصیت‌های مستقل و مسلکی را دعوت نمایند تا این وسعت نظر را عملاً تبارز دهند.

۴ - در دومین اجلاس قبرس (مورخ ۶ و ۷ جون ۱۹۹۹) تعداد مشمولین بالغ بر ۷۰ نفر گردید که از جمله تقریباً ۵۰ فیصد آنرا شخصیت‌های مستقل افغانی بیشتر مقیم اروپا و امریکا تشکیل میداد. این اجلاس با صدور یک قطعنامه مهم که در حقیقت مشی اساسی حرکت قبرس را به منظور تأمین صلح در افغانستان تحت هشت فقره احتوا میکرد، پایان یافت. اجلاس دوم بر عکس اجلاس اول در مطبوعات افغانی در هجرت انعکاس وسیع پیدا کرد و طی جر و بحث های موافقان و مخالفان از همه بیشتر دو موضوع با شدت مطرح بحث گردید: یکی اینکه شایع شد که گویا حرکت قبرس در برابر حرکت روم از طرف بعضی تنظیمهای جهادی مخصوصاً حزب اسلامی حکمتیار براه انداخته شده و موصوف در عقب پرده این حرکت را رهبری میکند. دیگر اینکه حرکت نه به سرمایه شخصی یکی دو نفر افغان (طوریکه ادعا می شد)، بلکه با حمایت وسیع مالی حکومت ایران تمویل میگردد. بعداً با تدویر اجلاس هیئت اجراییه قبرس در تهران (مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۹۹) که مصادف با روز افتتاح جلسات سه روزه هیئت تنظیم کننده لویه جرگه اضطراری در روم بود، این دوشایعه قوت بیشتر گرفت.

۵ - با آنکه مخالفت اغلب سران تنظیمها و احزاب جهادی با حرکت پادشاه سابق از دوران جهاد تا حال هنوز هم ادامه دارد ولی کدرهای دومی و جوان تنظیمی و احزاب جهادی که فعلاً در حلقه قبرس گرد آمده اند، با اقدامات شاه سابق نه تنها ابراز مخالفت نکرده اند، بلکه چندین بار آمادگی خویش را نیز در برقراری روابط و همکاری با روم رسماً اعلام داشته اند، چنانچه هیئتی نیز به آنجا فرستاده اند.

نگاه دقیق بر پیشنهاد سه فقره ای پادشاه سابق میرساند که این پیشنهاد به حیث یک استراتژی نجات حاوی سه اصل کلی است: اول - شاه سابق اوضاع کشور را یک حالت اضطرار تشخیص داده بناً با پیشنهاد لویه جرگه اضطراری خواهان یک مرحله انتقالی است تا با تدابیر اضطراری و عاجل زمینه برگشت به حالت عادی میسر گردد. دوم - شاه سابق نهاد معضله کشور را بخصوص در سلب حاکمیت مردم دانسته، رجوع به اراده آزاد مردم را اساس عمده برای بیرون شدن از حالت اضطرار میداند و این مرحله باید از طریق تفاهم بین الافغانی آغاز و کسب مشروعیت کند. سوم - شاه سابق عملیه نجات کشور را محض از طریق سیاسی قابل اجرا میداند، نه از راه نظامی. به نظر او غلبه یکی بر دیگر و ریختن خون برادر توسط برادر نه تنها موجب صلح پایدار در کشور نمی شود، بلکه بسیار شرم آور و ننگین است.

اکنون اگر نظری بر مصوبات دومین اجلاس قبرس اندازیم، دیده میشود که حرکت قبرس نیز در سه اصل کلی فوق با روم هیچ در تناقض نیست. با آنهم اگر آن حرکت با پیشنهاد سه فقره ای شاه سابق نظر مثبت ندارد، باید دلیل و انتقاد خویش را

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

صراحتاً بیان کند و یا اگر آنرا عملی نمیداند، باید یک بدیل یا میکانیزم دیگر را با امکانات تطبیقی آن به حیث استراتژی نجات ارائه دارد تا مورد بررسی هموطنان قرار گیرد، در غیر آن عبارات متحدالمال و جملات کلیشه ای که در هر قطعنامه و ابلاغیه درج میباشند، گره گشای مشکل وطن بوده نمیتواند.

در اینجا قابل ذکر است که بر علاوه تشابه اصولی، از نظر حضور شخصی نیز بین حرکت روم و قبرس یک نوع ارتباط ذات الیینی ملاحظه میشود، به این شکل که در اجلاس ۲۲ نوامبر سال گذشته در حالیکه حضرت صاحب صیغت الله مجددی و پیر صاحب گیلانی شخصاً در اجلاس روم حاضر بودند، نمایندگان شان در اجلاس هیئت اجراییه حرکت قبرس در تهران اشتراک داشتند و به گفته یکی از اعضای جلسه تهران هریک از نمایندگان هر روز گزارشات مجلس را می گرفتند و به رؤسای خویش به روم می دادند. همچنان طوریکه نماینده های مستقیم جبهه متحد شمال در اجلاس قبرس از اول تا حال اشتراک دارند، در اجلاس روم این نمایندگی بصورت غیرمستقیم از طریق حضور بعضی اعضای شورای مصالحه و وحدت ملی تمثیل میگردد. سؤال در اینست که چه مشکل جدی در این جنگ به اصطلاح «زرگری» وجود دارد که مانع کلی در اتحاد این دو حرکت گردد. آیا فقط وجود شاه سابق در تأمین صلح و آینده افغانستان موجب نگرانی کشورهای همسایه خواهد بود که به هر شکل کوشش میدارند در برابر آن سنگ اندازی کنند یا چیز دیگر؟

به نظر بعضی ها علاقمندی ایران در تمویل حرکت قبرس عمیقاً با همین نقطه نیرنگی ارتباط خواهد داشت زیرا ایران و هم پاکستان هر دو تشکیل یک حکومت مستقر ملی را در افغانستان به نفع خود نمی بینند و کوشش دارند تا به تداوم اعمال نفوذ در وطن ما همچنان ادامه دهند.

۶ - عمده ترین انتقاد حرکت قبرس بر اقدامات روم همانا در رابطه با حلقه انحصاری اطراف شاه سابق است. در اینجا میخواهم از یک عضو مهم حرکت قبرس (محترم بهاء الدین بها) نقل قول کنم که حرکت روم و قبرس را طی یک مصاحبه با نشریه امید (مورخ ۷ فیروزی ۲۰۰۰) خیلی محتاطانه به مقایسه گرفته و به حیث یک امتیاز حرکت قبرس بر حرکت روم چنین میگوید: «در قبرس مرکز (زعامت) و محور مشخص نیست. زعامت به ملت مربوط است و در آینده ملت هرکی را میخواهد به زعامت انتخاب میکند. در جلسه روم باوصف اینکه شخصیت شخصی شاه محترم است اما پیش از اینکه جلسه به کدام نتیجه برسد هم زعامت معین است و هم حلقه سیاسی و اداری معین است و این حلقه اداری و سیاسی پیش ملت شناخته شده هستند، بعضی ها خوشبین هستند و بعضی ها ممکن خوشبین نباشند...»

برای درک عمیق این مسئله لازم است زعامت را تحت دو حالت متفاوت بررسی کنیم: یکی در حالت عدای که زعیماً «مجرى» یعنی اجرائیوی مطرح است، در این حالت بر طبق قوانین و تعاملات خاص جامعه زعیماً از طرف ملت انتخاب و یا انتصاب میشود. دیگر در حالت اضطرار که مستلزم ظهور یک زعیماً «ناجی» است. جای شک نیست که در کشور ما اکنون حالت اضطرار حکمفرما است. فقدان قانون اساسی و سایر قوانین مربوطه، تداوم و تخاصم دو جناح درگیر و برهم خوردن کامل نظم و اداره همه مشخصه های عمده حالت اضطرار اند که مردم ما را در گرو اسلحه و اسلحه داران قرار داده و عملیه انتخاب زعامت را بطور عادی ناممکن ساخته است. در تحت این شرایط، جامعه به یک زعیماً ناجی ضرورت دارد تا جامعه را از حالت اضطرار بیرون کند و حالت عادی را مستقر سازد. در اینجا زعیماً ناجی را نمیتوان انتخاب یا انتصاب کرد و یا اور به مقام گماشت. مردم در این مرحله در تعیین او نقش بسیار سازنده ندارند، بلکه همین حالت اضطرار، ناتوانی مردم و عدم مؤثریت شخصیت های نیرومند اجتماعی است که زعیماً ناجی را به میدان می آورد. مردم بسوی او می شتابند، به اطراف او حلقه میزنند و از او خاموشانه تقاضای اقدام به عمل نجات میکنند.

ناگفته نباید گذاشت که وجود زعامت ناجی حتماً موجب نجات نمیشود، مگر آنکه زعیماً ناجی پیشآهنگ عملیه نجات گردد و استراتژی نجات را طرح و آنرا قدم به قدم رهبری و کنترل کند. زعیماً ناجی نمیتواند اینکار را به تنهایی پیش ببرد. در او جوهر مجتمع کننده وجود دارد که میتواند قوای نجات را به سهولت بسیج کند و سازمان دهد. از میان شخصیت های برجسته و عامل، اشخاص مجرب و مطمئن را انتخاب نماید و به وظایف مشخص بگمارد. روابط وسیع و همه جانبه را با اقشار مختلف مردم برقرار سازد، با آنها دیدار کند، از آنها مشوره بگیرد و به آنها هدایت دهد تا مردم متیقن شوند که او مجدانه درصدد نجات آنها است. صراحت کلام، قاطعیت تصمیم، قدرت ارشاد و اداره از اوصاف برانزده اوست تا مردم را بسوی اجرای اوامر خود در عملیه نجات سوق دهد. قدرت مفاهمه و استدلال و باز کردن طرق تماس با جوانب درگیر شرط اولی موفقیت در عملیه است. زعیماً ناجی میتواند عملیه نجات را از طریق نظامی پیش ببرد یا از طریق سیاسی و یا از ترکیب هر دو که آنهم تابع شرایط و احوال خاص جامعه است.

در کشور ما ۱۴ سال حکومت الحادی، ۴ سال حکومت تنظیمی و ۴ سال رژیم طالبی جامعه را تاگلو در مرداب تباهی غرق کرده است. اینها در اینمدت آنقدر خون ریخته اند، آنقدر ویرانی کرده اند و آنقدر ظلم و ستم روا داشته اند که تاریخ نظیر آنرا کمتر به خاطر دارد. در چنین شرایط مردم برای نجات خود ناگزیر اند به هر روزنه ای امید روی آورند و التماس نجات کنند. درکشور ما به هر اندازه که حالت اضطرار بسمت مرگبار شدن پیش میرود و به هر اندازه که مایوسیت مردم از همه درها بیشتر میگردد، به همان اندازه پادشاه سابق به حیث زعیماً ناجی در انظار مردم بیشتر متجلی میگردد. میگویند زعیماً ناجی بدیل و رقیب ندارد، چنانکه در طول تاریخ هیچگاه دو زعیماً ناجی در یک عصر، در یک سرزمین و برای یک هدف به وجود نیامده است. از انرو مردم ما هم در همین احوال بدیل دیگر غیر از شاه سابق را سراغ ندارند.

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۷

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

۷ - اکنون اگر از مسئله «مرکز» یعنی زعامت به موضوع «محور» یعنی حلقه اداری و سیاسی حرکت روم برگردیم، شخصاً با تشویش حرکت قبرس و یک‌عده دیگر از هموطنان در تفاهم هستیم. باید به صراحت بگویم که چگونگی عملیه انتخاب مشاوران شاه سابق و اجلاس شان در ماه اپریل و متعاقباً انتخاب هیئت تنظیم‌کننده لویه جرگه اضطراری و اجلاس شان در ماه نوامبر سال گذشته و اکنون تعیین اعضای هیئت اجراییه این شایعه را قرین حقیقت ساخته که حرکت روم تحت الشعاع رقابتهای ذات البینی شخصیت‌های مؤثر اعم از فامیلی و غیر فامیلی قرار گرفته و تدریجاً دچار یک نوع تشنج داخلی گردیده است. در این روزها بیش از پیش واضح میشود که با گرم شدن مزید تنور روم ناشی از محبوبیت پادشاه سابق و حمایت بین المللی، هریک رقبا نان خود را در آن تنور می‌پزند و به آرزوی جانشینی و فکر فردای خود هریک محور جداگانه برای خود تشکیل داده اند. گفته میشود که همین خودمحموری‌ها موجب شده تا شمول در حلقه روم تابع انتخاب و تائید خاص شخصیت‌های مؤثر آنجا باشد و این وضع نقش زعم ناچی را در عملیه نجات شدیداً تضعیف میکند.

اخیراً نشریه «وحدت ملی» اورگان نشراتی جناح آقای سیرت مسمی به «شورای مصالحه و وحدت ملی» با انتشار یک مقاله تحت عنوان «بیموزانگی» از تشنج جاری در روم رسماً پرده برداشته است. هفته نامه امید نیز از مدتیست به تاسی از نظر یکی از گردانندگان خود که به حمایت «جبهه متحد شمال» خاصاً جناح آقای مسعود و در داخل حلقه روم با آقای سیرت هم‌نوا و همکار میباشد، مطالبی را به نشر میرساند که غیرمستقیم به تشنج داخلی روم دامن میزند. این تشنج که اخیراً از نظر هموطنان و مراجع بین المللی نیز پوشیده نمانده است، موجب بطالت امور روم میگردد و شخص پادشاه سابق را متأثر ساخته و به موقف روم در حل قضیه لطمه وارد میکند و یک چانس بزرگ صلح را از میان می‌برد.

۸ - تشویش جدی و سوال اساسی یک‌عده از هموطنان بشمول خودم در مورد چگونگی تمویل حرکت قبرس میباشد که متأسفانه با این سوال تا حال جواب قناعت بخش داده نشده است. اینکه گفته میشود که حرکت قبرس از طریق سرمایه‌های شخصی یک یا دو هموطن تمویل میگردد، نه تنها موجب قناعت نیست بلکه شک و تردید را بیشتر میسازد.

طوری‌که گفته شد حدس نزدیک به یقین آنست که حرکت قبرس از طرف ایران تمویل میشود. بعضی گردانندگان حرکت قبرس استدلال میکنند که «وسيله» نمیتواند «هدف» شان را تحت تأثیر قرار دهد. آنها میگویند که: ما به راه خود روان هستیم، اینکه پول از کجا می‌آید، مهم نیست و منبع تمویل راه ما را تغییر نمیدهد. حتی یکی از اعضای حرکت قبرس ضمن مصاحبه و با رادیو پیام افغان در رابطه با این موضوع بطور فکاهی گونه گفته است که: «وقتی آدم جانی دعوت میشود، از میزبان نمی‌پرسد این نانی که برایم پختی، پولش را از کجا آوردی؟»

این طرز دید ولو فکاهی گونه باشد، ناصواب است زیرا افغان را در موضوع خانه اش مهمان و بیگانه را در رابطه با پولش میزبان خواندن اشتباه است.

در این شکی نیست که به فضل خدا هموطنان با احساس ما منافع وطن را با پول مبادله نمیکند، ولی این حقیقت نیز غیرقابل انکار است که مرجع تمویل‌کننده از خود نیز هدفی و یا اهدافی دارد، چنانچه چند هفته قبل در یک اجتماع چهارصد نفری افغانها در تهران آقای علی اکبر ولایتی - یکی از شخصیت‌های مهم جمهوری اسلامی ایران ضمن سخنرانی خود گفت: «انقلاب ایرانیان ثابت ساخته که علمای (!) افغانستان میتوانند همچنان یک نقش مؤثر را برای ایجاد استقرار و آرامش در کشور شان بازی کنند». معنی این گفته آنست که افغانها برای نجات خود باید قدمهای «انقلاب ایرانیان» را تعقیب نمایند. اکنون سوال میشود که هرگاه هدف یا اهداف مرجع تمویل‌کننده با اهداف حرکت قبرس در تناقض قرار گیرد، آنوقت مسلماً مرجع تمویل‌کننده حاضر نخواهد شد کمک خود را به آن حرکت ادامه دهد. درآنصورت حرکت خود بخود به سقوط مواجه میشود، همه زحمات به هدر میرود، شهرت یک‌عده شخصیت‌های نیک نام کشور صدمه می‌بیند و بالاخره با سقوط این حرکت یک اقدام دیگر برای حل معضله کشور ناکام میگردد و اعتماد مردم از همچو اقدامات کاملاً گسسته میشود.

۹ - مسلم است که دست داشتن کشورهای همسایه (دارای علایق خاص) در تمویل و تقویه همچو حرکت‌ها، سوء ظن هموطنان را بیشتر می‌سازد و چانس اشتراک شان را در این عملیه‌ها تقلیل میدهد. اینکه گفته میشود که امریکا و یا کشورهای غربی بطور کل با اقدام روم همکاری میکنند، یک حقیقت مسلم است، ولی آنقدر قابل تشویش نمیباشد چون امریکا و یا کشورهای غربی هم‌جوار با افغانستان نیستند و دلچسپی بسیار خاص و طمع آمیز (مثل ایران و پاکستان) به افغانستان ندارند. شاید همین حالا درک شده باشد که چرا هموطنان پشتون ما میلان کمتر به حرکت قبرس نشان میدهند. یکی از دلایل عمده حساسیت آنها در برابر مرجع تمویل‌کننده یعنی ایران است، همان طوری‌که یک‌عده در برابر پاکستان و عده دیگر در برابر هردو حساس هستند. هرگاه وضع به همین منوال پیش برود، حرکت قبرس از نظر ترکیب اعضا مواجه بیک بی‌موازنگی جدی میگردد و تدریجاً نقش مؤثر خود را از دست میدهد.

جناب آقای رئیس و اعضای محترم مجلس!

تا اینجا از مشخصه‌های کلی حرکت قبرس و مشکلات ناشی از آن صحبت بعمل آمد. اکنون میخواهم به ذکر مطالبی بپردازم که میتواند چانس موفقیت حرکت قبرس را به حیث یک بدیل مؤثر و مطلوب افزایش دهد:

د پانو شمیره: له ۴ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په څیر و لولی

الف - مسلم است که مردم افغانستان از طرز اجرات و نقش اکثر رؤسا و زعمای تنظیمها و احزاب جهادی با ملاحظه مصیبت های روزافزون کشور در طول اینمدت دل خوش ندارند. تا زمانیکه کدرهای مؤثر و جوان تنظیمها و احزاب جهادی خود را در این لحاف بیمار بچانیده اند، چانس تبارز شان در میدان مبارزه سیاسی فردای افغانستان چندان مساعد و امید بخش به نظر نمیرسد و مردم نیز به آنها اعتماد نمیکنند. اگر واقعاً کدرهای مؤثر و جوان بخواهند نقش خود و احزاب منسوبه خویش را در آینده افغانستان تضمین کنند و راه های جدید را به حیث یک حرکت ملی و اسلامی با تفاهم و همکاری صادقانه با قشر مسلکی و تحصیلکرده افغانستان با جهان بینی وسیع در پیش گیرند، باید از دل و جان و به صراحت تمام به طرد و نفی آنده از رهبران و شخصیت های مسؤل خویش بپردازند که به حیث یک لکه سیاه مانع مقبولیت عامه سازمانهای سیاسی ایشان در فردای افغانستان میگردند. باید تصریح کرد که پیش گرفتن طرز العمل به اصطلاح «هم لعل بدست آید و هم دل یار نرنجد» دیگر مرعی و قابل اعتبار نمیباشد. تنها صراحت لهجه و قاطعیت بیان است که مردم را به این تحول متیقن و امیدوار می سازد و بس.

متأسفانه بعضی شخصیت های مهم حرکت قبرس در این مورد یک روش بسیار محافظه کارانه را اختیار کرده اند. طور مثال وقتی از آقای جریر طی یک مصاحبه در رادیو «پیام افغان» منتشره جنوب کالیفورنیا درباره مناسبات شان با آقای حکمتیار پرسیده شد، چنان با احتیاط و نرمش جواب داد که گویا در روابط قدیم آب از آب تکان نخورده است. هموطنان شاهد هستند که این طرز بیان در مصاحبه مذکور تا چه حد بر اذهان تأثیر منفی بجا گذاشت و این شایعه را که گویا حکمتیار در پشت پرده قبرس قرار دارد، تقویه کرد. درحالیکه اگر آقای جریر به واقعیت های درد آور اعتراف میکرد و حتی روی مصلحت به نحوی به دلجوئی می پرداخت، ممکن نظر مردم در مورد حرکت قبرس به سمت مثبت تغییر می یافت و به راه جدید این تحول اطمینان و یقین بیشتر حاصل می شد.

ب - یکی از مشخصه های عمده حرکت قبرس که اخیراً جلب توجه فراوان کرده است، همانا نزدیکی شخصیت ها تنظیمی و جهادی سابق با شخصیت های مسلکی و تحصیلکرده غیرتنظیمی میباشد. اتحاد نظر و عمل این دو گروه در چارچوب یک حرکت ملی و اسلامی میتواند بسیار پر ثمر باشد، به شرطیکه هر دو طرف در این همکاری و اتحاد صادقانه عمل کنند و در عهد خود استوار باشند. باید کوشید که تفاوت نظرها را به اساس اصولیت ها و واقعیت ها حل کرد و از میلان ایدئولوژیکی، شخصی و دستوری دوری جست. گاهی شنیده میشود که بعضی از اعضای حرکت قبرس (منسوب به تنظیمها و احزاب جهادی) تشویش دارند که اگر رأی و نقش شخصیت های غیرتنظیمی و حزبی در گرداندگی حرکت زیاد شود، آنوقت چه خواهند کرد؟ واضح است که بروز همچو تشویشها از موقف رقابتی گروه ها نشأت میکند و اگر اعضای حرکت قبرس همه خود را واقعاً به حیث یک مشت بسته و فارغ از رقابتهای سازمانی بدانند، پس همچو تشویش ها را نباید به خود راه دهند.

ج - چون جلسات قبرس برحسب تصادف همزمان با ابلاغ اقدامات جدید روم آغاز گردید، بناً هموطنان در اول بیشتر چشم امید به اقدامات روم دوختند و کمتر به حرکت قبرس توجه کردند. ولی اکنون که روم دچار یک تشنج داخلی گردیده و هریک از حلقه های مؤثر آنجا در فکر خودمحوری شده اند، تاحدی نا امیدی و تأثر به هموطنان دست داده است. در این حالت حرکت قبرس میتواند به حیث یک بدیل مؤثر توجه همه را به خود معطوف کند، به شرطیکه گردانندگان آن صادقانه در صدد تفاهم نزدیک و مستقیم با شخص پادشاه سابق برآیند و پلانهای خود را با پلان پادشاه سابق هماهنگ سازند. اینجاست که محبوبیت پادشاه سابق در بین مردم از یکطرف و دروازه های باز شمول هموطنان در حرکت قبرس از طرف دیگر میتواند زمینه تشکیل یک حرکت وسیع و عوام شمول را مهیا گرداند. پادشاه سابق که یقیناً از تشنج داخلی حلقه خود آگاه و متأثر است، در ایجاد همچو تفاهم مثبت و سازنده آمادگی بیشتر از پیش از خود نشان خواهد داد.

از این نمیتوان انکار کرد که پادشاه سابق باوجود کبر سن و ضعف عاملیت، یک شخصیت وجیهه و قابل اعتبار ملی و بین المللی بوده، یک مرکز قوی در استحکام وحدت ملی افغانستان محسوب میشود و هیچ شخص دیگر اعم از فامیل و غیر فامیل شان نمیتواند در شرایط موجود جاگزین ایشان گردد. اشتباه بزرگ خواهد بود اگر بعضی از اعضای حرکت قبرس به تاسی از اصولیت های ایدئولوژیکی و یا وابستگی بامراجع دیگر پیوستن و نزدیکی با حرکت روم را تأیید نکنند. علاوهً نزدیکی حرکت قبرس با پادشاه سابق ممکن است از یک جانب از شدت تشنج و شیوع خود محوری ها در روم بکاهد و از جانب دیگر یک سازمان قوی صلح را به وجود آورد که در داخل و خارج کشور دارای حلقه های پرنفوذ باشد.

د - مشکل اساسی قضیه افغانستان که در طول اینمدت موجب ناکامی تقریباً همه تلاشهای افغانی و غیرافغانی گردیده دراینست که جانب قوی نظامی هیچگاه حاضر به مفاهمه و مصالحه نمیگردد. مفاهمه در قاموس زورمندان، تسلیم شدن کامل دیگران را به اراده آنها معنی میدهد. تازمانیکه رژیم آقای ربانی در کابل در قدرت بود، عین همان روش را در پیش گرفته بود که اکنون طالبان در پیش دارند یعنی اعمال زور و تحمیل خود بر دیگران. طالبان هرگز حاضر نیستند درباره زعامت و امارت صحبت کنند، آنها به هیچ جمعیت افغان حق و صلاحیت تدویر لویه جرگه را نمیدهند و عدم اطاعت از امارت اسلامی را بغی و قیام در برابر امر خدا و اسلام دانسته جنگ قدرت را جهاد می خوانند. در این حال سوال اساسی آنست که چگونه میتوان طالبان را وادار به حل مسالمت آمیز قضیه کرد؟

د پانوی شمیره: له ۵ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

حرکت قبرس چند هفته قبل یک هیئت را غرض مذاکره مقدماتی نزد طالبان و اتحاد شمال فرستاد. اگرچه تاحال نتایج این مذاکرات رسماً اعلام نگردیده ولی طوریکه در رسانه ها گزارش یافته جانب طالبان گفته است که آنها در موضوع زعامت و امارت با هیچکس و هیچ گروه مذاکره نخواهند کرد یعنی زعامت طالبی و امارت اسلامی غیرقابل بحث و قاطع است. به این اساس هرنوع امیدواری برای مذاکره و مفاهمه با طالبان از بین می‌رود. باآنهم روم نیز درصدد است تا هیئتی را نزد طالبان و شمال بفرستد. گمان می‌رود که جواب طالبان برای هیئت روم شدیدتر از جواب به هیئت قبرس باشد، مبنی براینکه طالبان خواهند گفت که اصلاً شاه سابق حق و صلاحیت این اقدامات را ندارد.

در اینصورت چه میتوان کرد؟ آیا به جنگ متوسل شد و یا با جبهه شمال همکار گردید که اینکار مغایر با اصل قبول شده روم و قبرس است، یا خاموشی اختیار کرد و از همه تلاشها دست کشید و یا راه دیگر را جستجو کرد؟ کدام راه دیگر؟

به نظر اینجانب صلح در افغانستان برقرار نخواهد شد، تا زمانیکه فشارهای ملی و بین المللی از داخل و خارج کشور برکسانی وارد نگردد که حاضر به قبول اراده مردم نمی باشند. این فشارها وقتی به نتیجه میرسد که تمام حلقه های صلح باهم نزدیک و دریک سمت واحد همکاری نمایند. فقط در همین حالت است که حمایت بین المللی عملاً مطرح میشود و مرجع نفوذ پیدا میکند و از وعده های زبانی به میدان عمل کشانیده میشود. تا زمانیکه یک حلقه قوی ملی موجود نباشد، فشارهای بین المللی بی نتیجه خواهد بود. امروز طالبان و حامیان شان می کوشند با عدم شمولیت خود در مجالس صلح، مانع تشکیل یک حلقه قوی و مؤثر ملی گردند و درعین زمان میکوشند تا قضیه افغانستان را وجه داخلی دهند و از حیطه فشار کشورهای بزرگ بیرون بکشند. آنها تلاش دارند فورمول ۲+۶ را بشکل فورمول ۱+۶ درآورند یعنی امریکا و روسیه را از حلقه بیرون کنند و جای آنها را به رژیم خود دهند تا بدانوسیله فشار بین المللی را از قضیه دور سازند.

در این روزها که جنگ دوباره در گوشه و کنار کشور آغاز گردیده است، بعضی ها به تلاشهای کنفرانس کشورهای اسلامی دل بسته اند که طرفین درگیر جنگ را برای مذاکره در جده (عربستان سعودی) دعوت کرده اند. به نظر اینجانب تا زمانیکه صحبت از دریچه قدرت است، موضوع به میز مذاکره حل نمیشود. برای نتیجه دادن مذاکرات، باید نخست منبع قدرت را تضعیف کرد تا در اثر آن مرجع قدرت آماده تن دهی به مذاکره و رسیدن بیک تفاهم معقول گردد. یکی از طرقی که در جوار فشارهای دیپلماتیک مؤثر بوده میتواند، همانا توسل به اقدامات عملی و مستقیم است که توسط شورای امنیت ملل متحد روی دست گرفته شود. در این رابطه قبلاً یک پیشنهاد مشخص را به سومین اجلاس شورای مصالحه و وحدت ملی منعقد بن مورخ ۱۸ جولای ۱۹۹۸ ارسال کرده ام که متأسفانه به آن وقعی گذاشته نشد. اینک می‌خواهم بار دیگر آن پیشنهاد را تقدیم اجلاس حاضر نمایم، امید که مورد توجه و دقت قرار گیرد و آن عبارت است از کنترل ورود مواد نفتی در افغانستان به این شرح که :

هرگاه ملل متحد به کمک و تعهد کشورهای ۲+۶ موفق شود و ورود مواد نفتی را در افغانستان تحت کنترل جدی قرار دهد، اینکار مستقیماً بر محدود ساختن سوقیات زمینی و حملات هوایی طرفین درگیر جنگ اثر بسیار بارز خواهد داشت و در مدت کوتاه موجب تقلیل قابل ملاحظه در جنگها و توانائی نظامی و انتقال قدرتهای جنگی طرفین خواهد شد. کنترل ورود مواد نفتی در افغانستان از طریق قوای ناظر ملل متحد به مراتب سهلتر و عملی تر نظر به کنترل ورود اسلحه است، زیرا اسلحه را میتوان از براهه و حتی ذریعه وسایل ترانسپورتی حیوانی از خارج به داخل کشور حمل کرد، درحالیکه انتقال مواد نفتی به مقدار لازم باید به وسیله تانکرها و از طریق شاهراه ها صورت گیرد. درعین زمان با کنترل مواد نفتی در افغانستان از یکطرف میتوان به سادگی مداخله خارجی را با منبع اصلی آن تشخیص داد و از طرف دیگر جوانب درگیر نمی توانند ادعا کنند که مثل ذخایر اسلحه، مواد نفتی را نیز از دوره های قبلی ذخیره داشته و گویا هیچ مرجعی به آنها کمک نکرده است. یقین دارم با تطبیق جدی این اقدام از طرف مراجع بین المللی همه جناح ها مخصوصاً طالبان مجبور خواهند شد از ادامه راه نظامی بنابر ضعف سوقیات جنگی دست بکشند و آماده مذاکره و مفاهمه جدی شوند.

ه - قراریکه در این اواخر دیده میشود، با ایجاد تشنج در روم توجه بعضی کشورها از جمله مقامات امریکائی به حرکت قبرس بیشتر شده است. هرگاه کشورهای غربی علاقمند به قضیه افغانستان

- از وسعت نظر اعضای تنظیمی و حزبی حرکت قبرس،

- از میلان صادقانه آنها در جهت همکاری با قشر مسلکی و تحصیلکرده افغان و

- از نزدیکی و همکاری آنها با حرکت روم

اطمینان حاصل نمایند، امکان دسترسی به کمک های مالی آن کشورها توأم با حمایت های مزید سیاسی برای حرکت قبرس میسر میگردد. با این امکان حرکت قبرس میتواند از یکطرف از تأثیر نفوذ مالی و سیاسی ایران تدریجاً خارج شود و خطر سقوط آبی حرکت مرفوع گردد و از طرف دیگر انگیزه حساسیت بعضی هموطنان که در برابر نقش ایران دارند و روی همین دلیل خود را از پیوستن به حرکت قبرس دور نگه میدارند، نیز از بین برود.

و - داشتن یک بولیتن خبری و یا یک جریده موقوته یا غیرموقوته که در آن اخبار، نظریات انکشافات جدید و موقف های کلی حرکت در موارد مختلف بطور منظم نشر و توضیح گردد، برای معرفی حرکت و جلب نظر هموطنان یک اقدام ضروری پنداشته میشود. علاوهً لازم است تا حرکت قبرس با یک نام مشخص و پرمفهوم که نمایندگی از اهداف و اجراء آن کرده بتواند، مسمی شود و هویت سیاسی و سازمانی خود را زیر همان نام مشخص سازد.

د پانوی شمیره: له ۶ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

جناب آقای رئیس و اعضای محترم مجلس!
این بود اجمال برداشتها، نظریات و پیشنهاد هایم که طی این نامه خدمت شما بعرض رسانیدم تا مسؤلیتم به حیث یک هموطن
علاقمند به قضایای کشور رفع گردد. میدانم این نامه طویل است و چانس قرائت آن در مجلس نسبت ضیقی وقت میسر نخواهد
بود، ولی ممنون خواهم شد اگر با تکثیر و توزیع آن به اعضای محترم اقلاً زمینه بحث روی مطالب عمده آن در مجلس
مساعد گردد و مرا متوجه اشتباهات و نارسائی هایم در محتوای مندرج این نامه سازند. به آرزوی موفقیت های مزید شما و
همه کسانی که در راه رفع مصیبت در وطن، استقرار صلح و ثبات، رفاه و آرامش مردم تلاش صادقانه و پیگیر دارند.
باعرض ارادت و سپاس
هموطن مهاجر شما
داکتر سیدعبدالله کاظم
سابق استاد و رئیس پوهنخی اقتصاد پوهنتون کابل

د پانو شمیره: له ۷ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ